

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پیشگام  
۰۸ مارچ ۲۰۲۳

## ضرورت همصدائی و همبستگی بیشتر برای زنان

زنان افغانستان در طول تاریخ در نظام‌های مختلف تحت تبعیض و ستم چند لایه قرار داشته اند. هر دولت و حکومتی که حاکم شده است، به نوبه خود با شیوه‌های مختلف بر جسم و روان زن ستم روا داشته و زنان را به اشکال گوناگون تحت شکنجه قرار داده است. زنان به ویژه تحت حاکمیت اسلام سیاسی، بیشترین تبعیض، توهین، آزار، اذیت و آسیب بدنی، روحی و روانی را در کشور ما تجربه کرده اند. زن ستیزی حاکمیت اسلام سیاسی چنان بویناک و متعفن است که پیروان چنین طرز تفکری هر قدر تلاش می‌کنند تا گندش را کم کنند، بیشتر آن را به گند می‌کشند.

دور اول حاکمیت طالبان که با زن ستیزی هستریک توأم بود، زنان را از هر نوع فعالیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تعلیمی کنار گذاشت. نه سال حاکمیت تیوکراتیک دولت اسلامی ربانی و امارت اسلامی طالبان، جسم و روان زنان را چنان فرسوده و از کار انداخت که سال‌ها نیاز بود تا زنان بار دیگر قد برافرازند و برای اعاده حقوق از دست رفته به مبارزه بپردازند. بیست سال حاکمیت پوشالی «جمهوریت» نه تنها نتوانست جسم و روان زخمی زنان را التیام ببخشد بلکه با سوءاستفاده از نام زن، زنان را به ابزاری برای فند و نمایش به کار گرفت؛ و به این شکل بدترین توهین را به زنان تحت ستم چند لایه انجام داد.

ما در حالی به استقبال هشتم مارچ، روز همبستگی بین المللی زنان می‌رویم که زنان افغانستان کماکان اسیر پنجه‌های کفتاران و دیوصفتانی اند که با هر عمل و حرکت، جز زن ستیزی وحشتناک چیز دیگری را به نمایش نمی‌گذارند. انگار برای اینان، مشغله دیگری جز مخالفت با زن وجود ندارد. سپردن افغانستان به دست وحش طالب توسط امریکا و متحدان جنایتکار آن، زنان را که فکر می‌کردند تحت حاکمیت «جمهوریت» تا حدودی از آزادی‌های نسبی برخوردار شده اند (در حالی که استفاده ابزاری از زنان در سرلوح هر عمل و فعالیت حاکمیت «جمهوریت» به وضوح دیده می‌شد)، بار دیگر در قفسی به بزرگی افغانستان اسیر ساخت. طالبان که این بار با امکانات بیشتر و دالره‌های امریکائی بر حاکمیت لمیده اند و به گونه‌ای از حاکم امریکائی چراغ سبز برای هر نوع حاکمیت در کشور شغالی دریافت کرده اند، این بار نیز مانند دور قبلی بر هر آنچه زن و فعالیت زن نام دارد، چلیپا کشیده، با گذشت هر روز در تلاش محصور ساختن آنان در چار دیواری خانه و پیچیدن شان در کفنی به نام حجاب اند. طالبان درین مدت کوتاه، ده‌ها زن را به گونه مرموز سر به نیست کرده و یا با شکنجه‌های حیوانی، جسم و روان شان را آزرده اند.

مخالفت هستریک طالبان با زنان بعد از نصب دوباره بر قدرت برای افراد و گروه‌هایی که فکر می‌کردند طالبان تغییر کرده اند، شوک‌دهنده بود؛ اما برای کسانی که فهم درستی از اسلام سیاسی دارند، هرگز چنین نبوده است. آنان ماهیت

سادیست و زن‌ستیز این گروه را بخوبی می‌دانستند و درک می‌کردند که روزگار زنان تحت حاکمیت این گروه متحجر سیاه‌تر از گذشته خواهد شد. درین میان، عده‌ای در تلاش اند تا به علت تعلقات قومی و زبانی، عمل و مخالفت طالبان را مقابل زنان فقط به قوم و زبان ربط دهند، نه اسلام سیاسی. در حالی که همه بخوبی می‌دانیم که طالبان و یا هر گروه اسلام‌گرای دیگر متعلق به هر زبان و قوم و نژادی که باشند، برخوردشان چیزی بهتر از برخورد طالبان با زنان نخواهد بود، چنان که تاریخ معاصر افغانستان گواه این مدعاست.

در شرایطی که گروه متحجر طالبان با تبعیض سیستماتیک و ستم آشکار بر زنان، زندگی را بر آنان به دوزخ مبدل ساخته و به حاکمیت ننگین خود ادامه می‌دهد، در گام نخست بر زنان آگاه و مبارز است تا بیش از پیش منسجم و فعال شده و با تمام قواء صداها را پراکنده و نامتشکل خود را به صدای واحد و برای هدف واحد که همانا رهائی زن از بند تحجر طالبی و زنجیر مردسالاری و سرمایه است، مبدل سازند. طالبان از اعتراضات خودجوش زنان که با تأسف هیچ گروه یا سازمان مترقی در سمت‌وسو دادن آن دخیل نیست، چنان به وحشت افتاده اند که در هر فرمانی که بیرون می‌دهند، برای به بند کشیدن بیشتر زنان حتماً ماده زن‌ستیزانه‌ای را در آن می‌گنجانند. طالبان متحجر می‌دانند که آگاه و متشکل شدن زنان به معنای ختم حاکمیت ننگین این گروه به حساب می‌آید، لذا اولین اقدام‌شان بستن تمامی درهای علم و آگاهی و استقلالیت بر روی زنان بود. در نظر طالبان و بسیاری از مرتجعان مردسالار، زن فقط ماشین چوپه‌کشی و خواباندن امیال جنسی مرد پنداشته می‌شود، نه این که به خیابان براید و صدای اعتراض خویش را بلند کند.

سمت‌دهی اعتراضات زنان و ضرورت همصدائی و همبستگی بیشتر با زنان از اولویت‌های مبارزاتی تمامی گروه‌ها و سازمان‌های آزادیخواه، سکیولار و مترقی است تا این اعتراضات از خواست‌های صرفاً اقتصادی و کوچک فراتر رفته، زمینه سرنگونی تاریک اندیش‌ترین گروه حاکم بر سرنوشت مردم ما را فراهم سازد. جامعه مردسالار و حاکمیت اسلام سیاسی به هیچ وجه زنان را از چار دیواری خانه بیرون اجازه نمی‌دهد، چه رسد به این که خود را متشکل سازند. برای تشکل پذیری زنان از هر روزنه‌ای باید استفاده کرد تا بتوان بر مشکل ناشی از عدم تشکل پذیری فایز آمد. همصدائی و همبستگی با زنان بدون سازماندهی و تشکل پذیری ناممکن است، زیرا اعتراضات چنان که تا حال دیده‌ایم، به هدف مطلوب نمی‌رسد. برای این که زنان بر سرنوشت خویش حاکم شوند و دست و پای خود را از زنجیرهایی که طی قرن‌ها بر جسم و روان‌شان پیچانیده شده، رها سازند، راهی جز متشکل شدن ندارند. هشتم مارچ، روز بین‌المللی زنان نباید فقط در سالن‌های مجلل و لوکس از سوی زنان پروژه‌ای تجلیل شود، بلکه بر ضرورت اتحاد، همبستگی و همدلی بیشتر زنان از طریق متشکل ساختن‌شان تأکید و برای این مهم، عملاً کار صورت گیرد.